

ریشه ها و ابعاد خشونت علیه زنان

مریم محمدی

متن مصاحبه کانال تلگرامی اتحادیه آزاد کارگران ایران با مریم محمدی ۲۳ نوامبر ۲۰۲۱
مدرج در انترناسیونال ۹۴۸

در آستانه بیست و پنجم نوامبر، روز جهانی منع خشونت علیه زنان هستیم. روزی که تاریخچه آن به سال ۱۹۶۰ و زمانی که خواهران میرابل در راه مبارزه با حکومت دیکتاتوری رافائل تروخیو در جمهوری دومینیکن کشته شدند بر میگردد. بعد از سال ها و در پی مبارزات مداوم زنان در سال ۱۹۹۹ سازمان ملل ۲۵ نوامبر را به عنوان روز جهانی منع خشونت علیه زنان به رسمیت شناخت. از روزی که خواهران میرابل به قتل رسیدند، بیش از شصت و یک سال میگذرد اما همچنان خشونت علیه زنان در سراسر جهان کم و بیش وجود دارد و در برخی از کشورهای دنیا بیداد می کند. آمار سازمان ملل متحد نشان میدهد که بیش از ۳۵ درصد زنان جهان، تحت خشونت قرار

دارند و این آمار به بیش از ۷۰ درصد در کشور
هایی تحت حکومت‌های دیکتاتوری با قوانین
زن ستیز می‌رسد.

برای بررسی ابعاد و ریشه‌های خشونت علیه
زنان، اتحادیه آزاد کارگران ایران گفتگویی با
خانم مریم محمدی ترتیب داده است که نظر
شما خوانندگان عزیز را به آن جلب میکنیم.

شما خشونت علیه زنان را چگونه تعریف
میکنید؟ ابعاد این خشونت کدامند؟

مریم محمدی: خشونت علیه زنان از رایج‌ترین
خشونت‌های روزمره در کل دنیا است و بنا به
تعریف به شکلی از خشونت اطلاق می‌شود که

جنسیت قربانی پایه اصلی خشونت به شمار می رود. خشونت علیه زنان به عنوان هر نوع آسیب فیزیکی، روحی، جنسی و کلامی که بر پایه جنسیت زنان بر آنها اعمال می شود و یا به هر رفتار و عملکردی گفته می شود که بتواند زنان را از آزادی و حق انتخاب در زندگی فردی و اجتماعی منع کند.

امروزه با هر چه پیچیده تر شدن روابط و مناسبات اجتماعی، ابعاد خشونت علیه زنان گسترش یافته و شاهد خشونت های قانونی، اقتصادی، خانگی، روانی، جسمی، جنسی، کلامی و حتی دیجیتال یا مجازی هستیم. البته چگونگی و ابعاد خشونت علیه زنان در جوامع مختلف بنا به مناسبات سیاسی حاکم

متفاوت است. در جامعه ایران با خشونت‌های فجیع مانند قتل‌های ناموسی، ختنه زنان، اسیدپاشی، تجاوز، ازدواج اجباری و حتی با شکستن رکورد ازدواج کودکان ۱۰ تا ۱۴ ساله مواجه هستیم.

در یک نگاه کلی و بنظر شما ریشه‌های خشونت علیه زنان در چیست؟ فاکتورهای دخیل در این مسئله کدامند؟

مریم محمدی: خشونت علیه زنان سابقه دیرینه‌ای دارد و در هر دوره تاریخی بنا به مناسبات حاکم، شکل‌های متفاوتی پیدا کرده است. مناسباتی که بسته به عملکرد و ضرورت‌های خود، خشونت علیه زنان را بازتولید می‌کند.

متأسفانه ما با خشونت سیستماتیک و قانونی به عنوان بزرگترین وجه خشونت علیه زنان مواجه هستیم. وجود انواع گشت‌های ارشاد که مجری طرح‌های حجاب و عفاف اجباری هستند به عنوان ابزارهای دولتی خشونت علیه زنان به شمار می‌روند.

مرگ دلخراش مرضیه طاهریان کارگر ۲۱ ساله نساجی، به عنوان یک خشونت قانونی را هرگز نباید فراموش کرد.

او در شانزدهم آبان ۱۴۰۰ بنا به گفته همکارانش ابتدا مقنعه‌اش به دستگاه گیر می‌کند، سپس سرش به درون دستگاه کشیده می‌شود. جدال مرگ و زندگی کمتر از یک دقیقه در نیمه‌های

شب، جان دختر جوان را با هزاران آرزو می‌گیرد.
حجابی که سال‌هاست بر زندگی زنان به اجبار
تحمیل شده، ابزار مرگش می‌شود. حجابی
که زنان را به انسان فرودست بدل می‌کند تا
چرخه سود و سرمایه با راندمان بالاتری خون
انسان‌ها را در شیشه کند.

قانون منع ورود زنان به ورزشگاه از خشونت‌های
قانونی در جامعه ایران است. ما فراموش
نمی‌کنیم سحر خدایاری را که در شبکه‌های
اجتماعی دختر آبی لقب گرفت در اعتراض
به دستگیری و محکومیت خود به زندان، به
جرم تلاش برای ورود به ورزشگاه و تماشای
مسابقات فوتبال، اقدام به خودسوزی کرد و
در ۱۸ شهریور ۹۸ درگذشت. او دارای مدرک

کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی و مهندسی کامپیوتر بود.

قتل‌های ناموسی، خودکشی زنان و دختران در ایران در حال افزایش است. فاکتورهای دخیل در این مسئله کدامند؟ قوانین مذهبی؟ فرهنگ مسلط زن ستیز؟ و یا فقر و فلاکت اقتصادی؟

مریم محمدی: قتل ناموسی به قتل زنانی اطلاق می‌گردد که توسط مردان خانواده کشته می‌شوند که از ابتدای امسال با موارد بسیار تکان دهنده‌ای مواجه بودیم. در سال گذشته تنها در کردستان حداقل ۱۲ قتل ناموسی به وقوع پیوسته است. همچنین ۵ قتل ناموسی

در طی ۵ روز در صدر اخبار قرار گرفت. در واقع مردانی که خود را صاحب زندگی زنان خانواده و مایملک خود می‌دانند، به دلیل سرپیچی زنان از اوامر آنها خود را مجاز به قتل آنها می‌دانند و در واقع این حق تملک بر زندگی زنان توسط قانون و عرف و سنت های عقب مانده عهد حجری به مردان خانواده واگذار شده است و می‌توان قتل ناموسی را نیز ناشی از خشونت قانونی قلمداد کرد.

در این شرایط زنانی که فقر و فلاکت اقتصادی و نبود هیچ گونه افق روشنی برای برون رفت از جهنمی که برای آنها ایجاد شده است را نمی‌بینند، دست به خودکشی می‌زنند. آمار نشان می‌دهد که در سال گذشته ۶۸ مورد

خودکشی زنان که ۶۳ مورد، منجر به مرگ شده است که ۱۹ نفر آنها زیر ۱۸ سال و کوچکترین آنها ۱۲ ساله بوده‌اند را داشته‌ایم که ۲۸ تن متاهل و ۲۵ نفر مجرد بوده‌اند.

می‌بینیم که بازه وسیعی از زنان در شرایط سنی و موقعیت تأهل و مجرد متفاوت و حتی کودکان زیر ۱۸ سال تحت شرایط بفرنج زندگی، دست به خودکشی می‌زنند و همه اینها نشان از عمق خشونت جاری علیه زنان است.

البته همه این شرایط فاجعه بار بر علیه زنان توسط قوانین و فرهنگ حاکم توجیه و پشتیبانی می‌شود.

شاهد هستیم که طبق آمار ۴۰ درصد از زنان ایران به دلیل فقر سقط جنین می‌کنند و این در شرایطی است که با طرح‌هایی از قبیل جوانی جمعیت برای باروری زنان هم قانون می‌نویسند در حالی که کوچکترین ارزشی برای شرایط زندگی زنان و کودکان قائل نیستند.

نه تنها هیچ قانون حمایتی وجود ندارد بلکه همه شرایط را برای در تنگنا قرار دادن زنان مهیا کرده‌اند.

مناسباتی که بابتی حقوق کردن و فرودست قرار دادن زنان می‌توانند سودآوری هر چه بیشتر را برای چرخه کثیف سرمایه در ایران تضمین کنند. در واقع ویژگی اصلی سرمایه‌داری در

ایران ضدیت با زنان است. شرایطی که فقر را در ایران زنانه کرده و چهره کریه خشونت بر زنان ابعاد مرگ باری به خود گرفته است .

از اولین تظاهرات علیه حجاب اجباری در سال ۵۷ پیش از چهل سال می‌گذرد. بنظر شما بعنوان یک فعال جنبش زنان، این جنبش چه پیشرفتهایی در مقابله با خشونت علیه زنان داشته است؟ قدم های بعدی چه باید باشد؟

مریم محمدی: زنان در اسفند سال ۱۳۵۷ با برپایی تظاهرات بر علیه حجاب اجباری به عنوان نماد مناسبات ضد زن پاسخ محکمی دادند و جنبش نوین رهایی زن در طی این سالیان با وجود سرکوب‌های سیستماتیک،

همواره از حقوق انسانی خود دفاع کرده و تمام دستگاه سرکوب با همه فشارها و بگیر و ببند هایی که تحت عناوین مختلف براه انداختند قادر نبودند زنان را وادار به سکوت کنند و به عقب برانند و این جنبش با پیگیری و مبارزه هر روزه خود توانسته کل جامعه و جنبشهای اجتماعی دیگر را با خواست و مطالبات برابری خواهانه زنان همراه کند.

امروز برای همه ما روشن است که تمام تبعیض های جنسیتی همانند دیگر تبعیض های اقتصادی و قومی و ... در سودآوری بیشتر سرمایه داری حاکم ریشه دارد. مناسبات پوسیده ای که برای بقای خود، انسان ها را قربانی می کنند تا بتوانند سودهای فوق کلان

به جیب بزنند. دیگر نمی توانند فرهنگ و
مناسبات پوشیده ضد زن را به خورد جامعه
بدهند و امروز شعار " آزادی زنان معیار آزادی
جامعه است " بر پرچم مطالبات کل جامعه نقش
بسته است.

به امید یک دنیای شاد ، برابر و مرفه برای
همه انسانها

برگرفته از کانال تلگرامی اتحادیه آزاد کارگران
ایران

۲۳ نوامبر ۲۰۲۱

وب سایت:

www.wpiran.org

تماس با حزب:

پیامگیر تلگرام: **wpi_tamas@**

و یا با ارسال پیام به شماره

۰۰۴۶۷۰۰۴۴۷۴۲۵

از طریق سیگنال، واتساپ و تلگرام و اینستاگرام